



جلال خوش چهره

یک چین‌شناس، روشی را که رهبران این کشور درحال حاضر با آن به جهان می‌نگرند، چنین تعریف می‌کند: «چین، اصلی‌ترین جلوه‌گاه سیاست واقع‌گرایانه در جهان پس از جنگ سرد است». از این‌رو اگر «شی جین‌پینگ» بر خلاف انتظار تهران، در ریاض با «ملک سلمان» و دیگر سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نرد عشق می‌بازد، نباید تعجب کرد. حتی اعتراض سمپات‌های گرایش به شرق و گذاشتن همه تخم‌مرغ‌های روابط خارجی در سبد چین و روسیه دراین‌باره، محلی از اعراب ندارد. چینی‌ها به همان روشی عمل می‌کنند که برای منافع خود تعریف کرده‌اند.

یک اصل در سیاست بین‌الملل آن است که شرایط زمانی و مکانی، الگوهای رفتاری همه بازیگران را در روابط خارجی تعیین می‌کند. پکن بر همین اساس آن‌گونه عمل کرده و می‌کند که در عربستان شاهدش بودیم. شی جین‌پینگ بر اساس آنچه اولویت‌های سیاست خارجی چین و در خدمت به منافع استراتژیک این کشور است، پای دو بیابنه ضد ایرانی را امضا کرد تا به این وسیله از منافع صدها میلیارد دلاری اقتصاد این کشور در روابط خود با کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس مراقبت کند. او به همان

اندازه هوشیار عمل کرد که نخواهد جلوه‌ای از «رقابت» را به رخ قدیمی‌ترین قدرت هژمونیک منطقه، یعنی ایالات متحده بگذرد. او خوب می‌داند بهترین روش حضور در منطقه، «تعاون» است و نه «رقابت». سیاست واقع‌گرایانه پکن، به چینی‌ها آموخته که برای هژمونی طلبی هم اراده و هم وسیله آن به شکل هم‌پوشان لازم است. بنابراین شی جین‌پینگ اگرچه با استقبال گرم و کم‌نظیر سعودی‌ها در ریاض روبه‌رو می‌شود، اما چنان رفتار می‌کند که هیچ ادعایی به موقعیت هژمونیک آمریکایی‌ها در این منطقه تعبیر نشود. البته این رفتار نه از سر انفعال، بلکه درک واقع‌گرایانه از اوضاعی است که بر منطقه سایه دارد. او می‌داند هنوز و همچنان امنیت دولت‌های منطقه در اتحاد استراتژیک با ایالات متحده گره خورده و نظم آن خصلتی ژلانینی دارد؛ اگر واشنگتن و به تبع آن غرب دراین‌باره اراده کنند.

دولت‌های عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز به آن اندازه واقع‌گرا هستند که موقعیت خود را فارغ از رویکردهای ایدئالیستی و رمانتیک، به‌گونه‌ای تعریف کنند که قادر نیستند با برخورداری از قدرت کافی، مستقلانه از منافع خود دفاع یا امنیت خود

فاصله پکن با متحد استراتژیک

را حفظ کنند. آنان حتی در تجربه تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در هیئت یک نظامی، سیاسی، نظامی و اقتصادی به درستی دریافته‌اند که این ائتلاف و تجربه‌های دیگر شبیه به این، به لحاظ ساختاری بسیار شکننده، مقطعی و ناموفق بوده است. بنابراین دولت‌های جنوب خلیج فارس نیز در صمیمیت با پکن، تنها در پی فرصت‌هایی هستند که بتواند حاشیه امنیت آنان را در تحولات گریزناپذیر آینده در منطقه بیشتر کند. تصور ایجاد رودرویی با هژمونی منطقه‌ای آمریکا نزد رهبران عربی، تفسیر و تعبیری دور از واقعیت است.

آنچه سفر شی جین‌پینگ به ریاض را بیش از همه برای برخی رهبران -از جمله سعودی‌ها- مهم می‌کند، رقابت‌های منطقه‌ای است. ریاض حالا می‌تواند بگوید رابطه پکن با پایتخت‌های عربی حوزه خلیج فارس بیش از آتی است که تهران پیش از این تصور می‌کرد. کلام روشن‌تر اینکه پکن بنا بر دلایل مختلف، از جمله صدها میلیارد دلار قرارداد تجاری-صنعتی با کشورهای عرب حوزه جنوب خلیج فارس، نمی‌تواند متحد استراتژیک تهران در آینده روابط خارجی او باشد. این برخلاف جملاتی است

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان موضع ضدایرانی پکن و اجماع‌سازی ریاض علیه تهران را بررسی کرد

ساز چینی، کوک سعودی



عکس: Gettyimages

دانست، سفیر چین سیاست خارجی کشورش در منطقه را مبتنی بر توازن دانسته و مبادلات پیش‌بینی‌شده دیپلماتیک از جمله سفر معاون نخست‌وزیر چین به ایران در روزهای آینده را مؤید این رویکرد اعلام کرد. حسین امیرعبداللهیان هم شبه‌שב در توییتر در واکنش به بیابنه مشترک چین و شورای همکاری خلیج فارس و ادعاهای مطرح‌شده در آن بیابنه نسبت به جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ نوشت: «جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در خلیج فارس، اجزای جدایی‌ناپذیر خاک پاک ایران است و به این مام میهن تعلق ابدی دارند. در ضرورت احترام به تمامیت ارضی ایران با هیچ طرفی تعارف نداریم». در کنار این واکنش‌ها، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت در واکنش به بیابنه مشترک چین و شورای همکاری خلیج فارس تأکید کرد که استقلال سیاسی ایران ادا تعارف‌بردار نیست. در یادداشت توییتری ایران، در توضیحات اهداف سفر رئیس‌جمهور کشورش به ریاض، این سفر را در سیاسی ایران ادا تعارف‌بردار نیست. فراخوان سفیر چین و اعلام موضع و اادارکردن مقام چینی به تأکید بر احترام به تمامیت ارضی ایران، تفهیم این واقعیت است که استقلال سیاسی ایران ادا تعارف‌بردار نیست، چین باید بفهمد برای بازی با اعصاب آمریکا و دلبری از ناومیس منطقه‌ای آن، حق بازی با کارت ایران را ندارد.

هرچند مجموعه واکنش‌های تهران از جمعه تا به اکنون از سوی چینی‌ها به نسبت مشترک ایران تلقی نمی‌شود و تنها محدود به تذکر و انتقاد شفاهی است، اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند سفر سه‌روزه شی به عربستان و حضور او در نشست شورای همکاری خلیج فارس نشان از یک پوست‌اندازی جدی در مناسبات منطقه‌ای ریاض و توان‌بخشی در سیاست خارجی فرامنطقه‌ای سعودی‌ها با محوریت پکن - واشنگتن با هدف استفاده از ظرفیت‌های هر دو ابرقدرت تجاری دارد. در این میان نکته مهم‌تر ناظر به زاویه نگاه جدید چین و به‌ویژه شی به غرب آسیاست؛ زاویه نگاهی که چندان بر منافع تهران منطبق نیست. باین‌حال طیفی از تحلیلگران کمکان بر این باورند که در چین در قبال ایران تغییر رفتاری انجام نداده است و آنچه تغییر پیدا کرده به عربستان بازمی‌گردد. در این رابطه جلال میرزایی به «شرق» می‌گوید که باید مسئله را از زاویه رابطه چین و عربستان ارزیابی کرد، چراکه از نظر این نماینده سابق مجلس، روابط پکن با کشورهای عربی به‌ویژه در سفر اخیر شی به منطقه و صدور دو بیابنه با ریاض و شورای همکاری خلیج فارس بر مناسبات چین و ایران اثرات خود را خواهد داشت؛

اما چه شد که چین به سمت همراهی با «اتخاذ سیاست ضد ایرانی» رفت؟ سوآلی است که این تحلیلگر حوزه بین‌الملل در پاسخش به تحولات داخلی ایران اشاره دارد؛ یعنی اتفاقات اخیر مسئله‌ای بود که در سایه ارزیابی میرزایی به یک بحران در سیاست خارجی ایران منجر شده است، هرچند او بن‌بست در مذاکرات احیای برجام، اوج‌گیری اختلافات با آژانس بعد از قطع‌نامه شورای حکام و نیز ارسال پهپاد به روسیه را هم در این بحران‌زایی تأثیر نمی‌داند. با این وضعیت آنچه این نماینده ادوار در ادامه کپ‌وگفتش با «شرق» بر آن صحه می‌گذارد، «موضع احساس ضعف تهران، هم در منطقه و هم در صحنه جهانی» است؛ پس با این شرایط طبیعی است که اکنون پکن نگاه سابق را به ایران نداشته باشد. با این حال میرزایی ضمن ادعای به سوءاستفاده چین از وضعیت بغرنج دیپلماتیک ایران برای آنچه او آن را «مفت‌بری و ارزان‌بری» چین در تجارت با ایران می‌نامد، اکنون پکن سعی دارد به جایگزین‌های مطمئن در حوزه تجارت جهانی دست یابد. این نماینده مجلس دهم اگرچه اعتقاد دارد که اکنون چین مهم‌ترین و اولین شریک تجاری ایران است و تهران سعی دارد «نگاه متحد راهبردی را ذیل مناسباتش با چینی‌ها برای خود تعریف کند؛ اما چین در مقام قیاس با مناسبات حدود صد میلیارد دلاری با کشوری مانند عربستان و قرارداد انرژی با قطر و نیز مناسبات کلان و هنکفت تجاری با حاشیه خلیج فارس، منطقا به سمت آنها گرایش خواهد داشت تا تهران». به‌ویژه آنکه میرزایی به این نکته اشاره دارد که در دوره جدید ریاست‌جمهوری «شی» رویکرد منفعت‌طلبانه پکن بیشتر نمود پیدا خواهد کرد؛ چون اعتراضات داخلی چین هم‌زمان با دوره رکود اقتصادی به واسطه دو سال شیوع کرونا در این کشور اکنون پکن را بیش از گذشته به سمت افزایش تجارت جهانی و گسترش مناسبات با کشورهای کلیدی جهان سوق می‌دهد.

البته این کارشناس نکته مهم‌تری را به «شرق» گوشزد می‌کند و آن هم «پریسک‌بودن روابط تجاری از نگاه چین و همه کشورهای جهانی با ایران است». تحریم و افزون بر آن نپذیرفتن لایوَح FATF، ایران را گزینه ایدئالی برای مناسبات تجاری چین و دیگر کشورها بدل نمی‌کند؛ بلکه یک گزینه پریسک است. از آن سو میرزایی سطح روابط تجاری ایران و چین را هم چندان کلان و هنکفت ارزیابی نمی‌کند. پس بدیهی است که پکن دیگر کشورها را برگزیند و دراین‌میان نماینده مجلس دهم «حضور ایران در پیمان شانگهای و قرارداد ۲۵ساله ایران و چین» را یک «سرگرمی

که متن سند توافق همکاری ۲۵ساله ایران و چین با آن آغاز شده است: «دو فرهنگ باستانی آسیا، دو شریک در تجارت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت با دیدگاه‌های مشابه و مشترک دوجانبه و چندجانبه در بسیاری از عرصه‌ها خود را به‌عنوان شریکان استراتژیک می‌بینند».

رئیس‌جمهوری چین در ریاض و با امضای دو بیابنه که هرکدام به‌گونه‌ای جایگاه ایران را به لحاظ توانمندی هسته‌ای-دفاعی و منطقه‌ای به چالش کشیده است، بر این واقعیت انگشت گذاشت که روابط تهران-پکن در بهترین شکل خود، نمی‌تواند بیرون از محدوده «شراکت» بوده و مفهوم «رابطه استراتژیک» داشته باشد. منافع، ملاحظات و نگرش چین -و بلکه مسکو- مانعی است در ایجاد روابط استراتژیک با ایران در بزنگاهی که ممکن است تهران بیش از هر زمان به این اتحاد دلخوش بوده باشد. چینی‌ها اکنون اصلی‌ترین جلوه‌گاه سیاست واقع‌گرایانه در جهان پس از جنگ سرد هستند. این همان مفهومی است که «ولادیمیر پوتین» در اجلاس شانگهای و پس از گفت‌وگوی به نسبت انتقادی شی جین‌پینگ با او، به روشنی دریافت.

دیپلماتیک» برای دولت رئیسی می‌داند؛ چون زمانی که ایران به واسطه تحریم‌ها و مسدودبودن کانال ارتباط مالی حتی «توان پرداخت حق عضویتش به اوپک را ندارد، چگونه خواهد توانست با پیمان شانگهای یا دیگر پیمان‌ها نسبت به افزایش روابط اقتصادی چشم امید داشته باشد؟!». این سوآلی است که میرزایی آن را در گفت‌وگو با «شرق» خطاب به رئیسی مطرح می‌کند؛ به‌ویژه آنکه دولت سیزدهم اولویت سیاست خارجی را بر تعامل با همسایگان و کشورهای بلوک شرق به امید بهبود دیپلماسی اقتصادی قرار داده بود.

البته نعمت‌الله ایزدی در یک شکاف تحلیلی با آنچه میرزایی عنوان کرد در گفت‌وگویش با «شرق» بر این باور است که تحولات داخلی ایران در سه ماه گذشته اگرچه بر سیاست خارجی کشور اثرات مخرب خود را داشته است؛ اما در مورد مشخص «سفر شی به عربستان و اتخاذ رویکرد ضدایرانی پکن در این سفر» به این مسئله اشاره دارد که میان این دو موضوع ارتباطی وجود ندارد و این حضور رئیس‌جمهور چین در منطقه را بی‌ارتباط به اعتراضات کشور می‌داند؛ چراکه به باور آخرین سفیر جمهوری اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی انجام سفری در سطح سران، آن هم سفر رئیس‌جمهوری چین به کشوری مانند عربستان و برگزاری این سطح از تشریفات به یک فرجه چندماهه نیاز دارد؛ پس از دید ایزدی این سفر قبل از آغاز تحولات ایران در دستور کار بوده است و لزوما هم معنای برنامه‌ریزی پکن برای تقابل با تهران در سایه اعتراضات این سه ماه نیست. اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه در ادامه تحلیلیش به «شرق» روی موضوع مهم‌تر یعنی تلاش مشترک ریاض و پکن برای بازکردن صفحه جدید در روابط اقتصادی، تجاری و دیپلماتیک تأکید دارد. از این منظر ایزدی بیان می‌کند که «عربستان در سایه منافعش به دنبال آن است که هم‌زمان با تداوم و گسترش روابط خود با غرب به‌خصوص آمریکا به تقویت جایگاه و نفوذش در مناسبات با کشورهای حوزه شرق یعنی روسیه و چین هم بپردازد. درعین‌حال چین هم نگاه مشابهی را برای تقویت روابط تجاری با منطقه کلیدی خلیج فارس دارد»؛ اما نکته جالب توجه و تعجب‌آور که به ادعای این دیپلمات باسابقه کشورمان حتی جای گلایه و اعتراضات شدید ایران را هم دارد، به این موضوع بازمی‌گردد که چرا چین به بهای تعامل اقتصادی و تجاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس با نگاه ضدایرانی آنها از پرونده هسته‌ای گرفته تا نفوذ منطقه‌ای ایران و... همراه شده است و پکن در موضوعی مانند حکم‌های ایران بر جزایر سه‌گانه ورود پیدا می‌کند که به آنها ارتباطی ندارد که اتفاقا هم روی تمامیت ارضی ایران تأکید دارد؟! از این منظر ایزدی بر این باور است که شاید روابط ایران و چین آن‌قدر مستحکم نبوده است که پکن را از اتخاذ چنین رویکرد ضدامنیتی و ضدمنافع ایران بازدارد.

با این خوانش، سفیر اسبق ایران در فدراسیون روسیه به «چالش‌ها و بحران ژئوپلیتیک چین» اشاره دارد و در این راستا بیان می‌کند: «وقتی که چین از بحران در دریای جنوبی چین و تایوان گرفته تا بحران در هنگ‌کنگ و... دست به گریبان است و در حالت شکننده‌ای به سر می‌برد، نباید روی موضوع حساسی مانند تمامیت ارضی ایران دست بگذارد و پای بیابنه‌ای را امضا کند که حاکمیت کشور را بر جزایر سه‌گانه زیر سؤال می‌برد. این رویکرد چین با هر نگاه و توجیهی برای ایران پذیرفتنی نیست». با این نگاه، ایزدی در ادامه کپ‌وگفتش با «شرق» تأکید می‌کند که «باید روبه ضدایرانی چین تمرکز بر مسئله حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه به شدیدترین لحن ممکن از سوی دولت و وزارت امور خارجه محکوم شود و پکن را مواخذه کنند»؛ چون از دید او اگر تهران با سکوت و مماشات بخواهد این مسئله را مدیریت کند که مبدا روابط تجاری و دیپلماتیک ما با چین دچار خدشه نشود، این امکان وجود دارد که در آینده واکنش‌ها از بیابنه‌نویسی عبور کرده و رقبا دست به اقدامات عملی علیه تمامیت ارضی ایران بزنند. با این برآورد، ایزدی انتقاد برخی مسئولان و حتی حملات روزنامه‌های رادیکال کشور مانند تلگهی را که روی بحران مرزی چین در تایوان و دیگر نقاط اشاره دارد، درست و بجا تلقی می‌کند؛ چراکه تمامیت ارضی کشور موضوع تعارف‌برداری نیست. فقدان بدنه باتجربه و کارکشته در دولت سیزدهم و به‌ویژه دستگاه سیاست خارجی، نکته مهم دیگری بود که ایزدی روی آن دست می‌گذارد و در همین زمینه اعتقاد دارد که متأسفانه اکنون بدنه وزارت امور خارجه دچار ریزش نیروی کاربلد شده است و به دلیل نبود این نیروها اکنون دستگاه سیاست خارجی، نه توان و نه دانش برخورد با بحران کنونی در سیاست خارجی به‌ویژه در سه ماه اخیر را ندارد که نهایتا سبب شده است کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه، حتی کشوری مانند چین هم به دست به تغییر رویکرد در برابر ایران بزند. با این انتقاد، ایزدی آسیب‌شناسی جدی‌تری را در سیاست خارجی ایران پیش می‌کشد که ناظر به نقد نگاه به شرق است. از دید آخرین سفیر ایران در شوروی اگر ایران به دلیل بحران با غرب سعی کند تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد شرق بگذارد، فی‌نفسه سیاست شکست‌خورده‌ای است که نهایتا به این رویکرد ضدایرانی چین علیه ما منجر شده است. چون به ادعای این دیپلمات باسابقه کشور، زمانی که جمهوری اسلامی ایران تمام درهای سیاست خارجی را بر روی چند کشور معدود مانند چین و روسیه یا هر کشور دیگری محدود کند، طبیعا آن کشورها هم برای ایران گران‌فروشی خواهند کرد و هرگونه امتیازی را از ایران خواهند گرفت. از این لحاظ و پس از اقدامات چین در سایه سفر شی به عربستان، ایزدی این هشدار را می‌دهد که «شاید وقت بازنگری در سیاست نگاه به شرق است».



تعویق اجرای حکم، فیلمی از مادر بزرگ‌های او هم منتشر شد که عاجزانه از قاضی‌القضات خواستار تعویق اجرای حکم شدند. صبح دیروز محمدرضا قنبرطلب، یکی از شاکیان پرونده «ماهان صدرات» نوشت: «به لطف الهی در نیمه‌شب حکم ماهان صدرات متوقف شد. صدای مادر بزرگ‌های ماهان و مردم کشورم که با بی‌اعتنایی به رسانه‌های بیگانه از آیت‌الله اژدای درخواست یافت و شنیده شد که همه کشورهای جهانی با ایران است، اما امروز در ملاءعام برای لغو حکم گریه کردم. صدای قبلی ما شنیده شد. ۲۸ ساعت وقت داریم تا فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی و اعتقادی، با همدلی و وقاف ملی از قوه قضائیه بخواهیم که درخصوص حکم‌ماهان صدرات تا‌سی از سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام برخورد نشود». تا زمان نگارش این گزارش، یکبیری گراشکر «شرق» از دستگاه قضا مبنی بر صدور دستور تعویق یا دستور اجرای حکم بی‌نتیجه ماند؛ هرچند در شبکه‌های اجتماعی، عدم اجرای حکم اعدام و خبر احتمالی در تعویق افتادن حکم باعث خرسندی عمومی و انتشار پیام‌های مکرر تشکر از رئیس دستگاه قضا شده است.

شاکی خصوصی پرونده به دنبال تعویق حکم اعدام:

ماهان صدرات را اعدام نکنید

«پرونده ماهان صدرات برای اجرای حکم ارسال شده است»؛ همین یک جمله کافی بود تا نگرانی از اجرای حکمی که شاکی خصوصی رضایت داده و به دنبال عفو محکوم است، خواب را از چشمان بسیاری محو کند. بعد از اجرای حکم محسن شکاری، نقدهایی جدی در رابطه با مجازات محاربه و سرعت خارق‌العاده در اجرای حکم، آن‌هم زمانی که مجازات سالب حیات بوده، مطرح شده است. از این‌رو افکار عمومی خواستار تأمل در اجرای احکام هستند تا در شتاب‌زدگی حقی پایمال نشود و با حضور وکیل تعیینی در محاکم